

جزوه فرهنگ عمومی

معرفی به استاد

مدرس : ایل بیگی

# فرهنگ

۱- فرهنگ را تعریف نمایید.

فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستیها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که بوسیله انسان بعنوان عضو جامعه کسب شده است.

۲- وجوه تمایز انسان در مقایسه با حیوانات را در بعد فرهنگ نام ببرید.

- تفکر و قدرت یادگیری
- تکلم
- تکنولوژی
- اجتماعی بودن (زندگی گروهی)

### ۳- فرهنگی شدن را به اختصار توضیح دهید.

## فرهنگی شدن

فرهنگی شدن در حقیقت هماهنگی و انطباق فرد با کلیه شرایط و خصوصیات فرهنگی است و معمولاً به دو صورت ممکن است واقع شود. اول بصورت طبیعی و تدریجی که همان رشد افراد در داخل شرایط فرهنگی خاص است. دوم بصورت تلاقی دو فرهنگ که بطرق مختلف ممکن است صورت گیرد. فرهنگ در برگیرنده تمام چیزهایی است که ما از مردم دیگر می‌آموزیم و تقریباً اعمال انسان مستقیم و یا غیر مستقیم از فرهنگ ناشی می‌شود و تحت نفوذ آن است. برای روشن شدن مطلب یکی از اعمال انسان را مثال می‌زنیم: غذا خوردن نیازی بدنی و بیولوژیک است، برای زنده ماندن باید تغذیه کرد ولی وقتی سؤال می‌شود چه باید خورد؟ چگونه باید خورد؟ چه وقت باید خورد، نفوذ فرهنگ در اعمال انسانی نمودار می‌گردد. برآوردن نیازهای غریزی در انسان با مجموعه‌ای از رفتارهای پیچیده همراه است و این رفتارها را فرهنگ هر جامعه‌ای شکل می‌دهد. در مورد برآوردن نیاز تغذیه در جوامع مختلف اشکال گوناگونی دیده می‌شود و محدودیت‌ها، مقررات، قواعد و رسومی هست که افراد هر جامعه را تحت نفوذ می‌گیرند که مثلاً چه باید خورد و از خوردن چه چیز باید پرهیز کرد. فرهنگ بین افراد مشترک است. هر فردی خصوصیات منحصر به فرد دارد که ویژه است و دیگران را از آن بهره‌ای نیست. این گونه خصوصیات جزو فرهنگ بشمار نمی‌رود مگر آنکه بوسیله افراد دیگر یاد گرفته شود و بصورت رسوم و عادات گروهی در آید و دیگران در انجام آن شرکت کنند. از طرف دیگر فرهنگ گرد آورده جمع است، ذخیره دانش انسانی از طریق نسلهای

متمادی فراهم شده است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. و بهمین دلیل غالباً هر اختراعی بر اساس زمینه عینی گذشته که حاصل کوششهای جمعی انسان است متکی می‌باشد.

#### ۴- خرده فرهنگ ها را توضیح دهید.

### خرده فرهنگ

فرهنگهای قومی، قبیله‌ای، ناحیه‌ای، گروههای زبانی یا اقلیت‌های مذهبی و نیز فرهنگهای ویژه و فرعی گروههای شغلی، طبقات، قشرهای موجود در یک کشور از **خرده فرهنگ** تشکیل گردیده که البته هر کدام در عین داشتن ویژگیهای خاص خود با فرهنگ کلی جامعه مبانی مشترکی دارند. بعنوان مثال ویژگیهای مردم لرستان از لحاظ گویش، آداب و رسوم، شکل لباس پوشیدن، مهمان‌نوازی، ازدواج و مشخص و متمایز می‌کند این فرهنگ ویژه ر خرده فرهنگ لری می‌گوییم که در حالیکه جزئی از فرهنگ ایرانی تلقی می‌شود ولی ویژگیهای خاص خود را دارد.

خرده فرهنگها را در بین قشرها یا طبقات شهری نیز می‌توانیم مشاهده کنیم مثلاً در یک شهر واحد مثل تهران یا اصفهان یا مشهد قشرها و گروههای شغلی معینی وجود دارند که هر کدام در محدوده فرهنگی خاصی قرار دارند. اصطلاحات، استعارات، طرز سخن گفتن، لباس پوشیدن، برخوردهای اجتماعی، طرز تلقی آنها از واقعیات کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده و راحتی می‌توان آنها را از هم تمیز داد بهمین دلیل جماعت بازاری، کسانی که در بوروکراسی دولتی بکار مشغولند، افسران ارتش، پزشکان، رانندگان تاکسی و... هر یک دارای خرده فرهنگ ویژه دارای بوده و در برخوردهای اجتماعی تا حدود زیادی رفتار آنها انعکاسی از تعلق آنها به خرده فرهنگ خاصی است.

## ۵- چرا توجه به خرده فرهنگ ها اهمیت دارد؟

توجه به خرده فرهنگهای یک کشور اعم از فرهنگهای قبیله‌ای، مذهبی و طبقه‌ای در جامعه‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در حقیقت یکی از راههای شناخت فرهنگ یک کشور آشنایی دقیق با خرده فرهنگها یا فرهنگهای فرعی آن کشور است زیرا درست است که آگاهی از تاریخ یک قوم و حوادثی که در طول قرون و اعصار بر آن قوم گذشته است لازمه و شرط عمده‌ای برای شناخت فرهنگ آن جامعه است ولی تاریخ تنها کلیات و حوادث عمده را در ارتباط با شناخت فرهنگ بازگو می‌نماید در حالیکه تحقیق در خرده فرهنگهای یک ملت این امکان را بوجود می‌آورد که بتوانیم به عمق و ریشه خلیات و روحیات آن ملت پی برده، کارکردهای آداب و رسوم و سنت‌ها را درک نموده و عناصر فرهنگ جامعه را نه از بالا بلکه از پایین و بصورت "میکرو (جزئیات)" باز شناخته و تعریف کنیم.

## ۶- فرهنگ عام چیست؟

### فرهنگ عام

فرهنگ عام را می‌توان به نشانه میراث اجتماعی بشر تلقی نمود و بهمین دلیل مجموعه ویژگیهای اساسی فرهنگ انسانی که جامعه انسانی را با اجتماعات حیوانی از هم متمایز می‌نماید بعنوان عناصر فرهنگ عام محاسبه کنیم: تکلم و تفکر یا اندیشه ورزی، ابزار سازی و خصوصاً اجتماعی زیستن که با نهادهای اجتماعی، سازمانها و تشکیلات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی مشخص می‌گردد، از جمله عناصر اصلی سازنده فرهنگ بشری اند که در تمام جوامع اعم از جوامع تطور یافته و جوامع تطور نیافته وجود دارند. در تمام جوامع بشری ازدواج، خانواده، دولت شیوه خاصی از تولید، اعتقادات دینی و دیگر اجزاء تشکیل دهنده فرهنگ انسانی را می‌توان مشاهده نمود.

## ۷- اعمال و رفتار حیوانات غریزی است در حالیکه اعمال و رفتار انسانها بیشتر فرهنگی است. این مسئله را توضیح دهید.

اجتماعات حیوانی فاقد فرهنگ اند و اعمال و رفتارشان غریزی است ، در حالیکه اعمال و رفتار انسان بیشتر فرهنگی اند تا غریزی گوا اینکه گرایش هم "در عکس‌العمل‌های رفتار انسان سهمی دارند . از دیدگاه اسلامی رفتار و اعمال انسانی علاوه بر فرهنگ و غریزه از " فطرت " نیز نشأت می‌گیرد .

در عالم حیوانات چنانچه شواهدی نیز از ویژگیهای فرهنگی گونه وجود داشته باشد، غریزی است و نه فرهنگی مثلاً لانه سازی پرندگان عملی غریزی است و در طول اعصار و قرون نیز هیچگونه تحولی بخود ندیده است در حالیکه فرهنگ بشری پیوسته در تغییر است و از طرف دیگر حرکت دسته جمعی پرندگان یا برخی از حیوانات را نمی‌توان به حساب زندگی اجتماعی آنان یا باصطلاح تمایل و گرایش به گروه جویی تلقی نمود زیرا زندگی اجتماعی آنچنانکه انسان دارد دارای ویژگیهایی است که نشانه‌های آنرا در میان حیوانات نمی‌بینیم . حیوانات ممکنست بصورت دسته جمعی از نقطه‌ای به نقطه دیگر جابجا شوند و در دره‌ها ، کنار رودخانه‌ها و دریاها در کنار یکدیگر حضور فیزیکی داشته باشند ولی نتیجه‌ای اجتماعی از این گردهم آئی حاصل نمی‌گردد . بعبارت دیگر زندگی اجتماعی به مفهوم واقعی که تنها در بین انسانها مشاهده می‌شود ، بصورت انواع سازمانها و نهادها و تشکیلات اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی متجلی می‌گردد که در میان حیوانات بچشم نمی‌خورد البته رفتار اجتماعی گونه زنبوران عسل با مورچگان ، لانه سازی و نظم موجود در حرکات آنها را نمی‌توان جز به اعمال غریزی که طی هزاره‌ها هیچ گونه تغییری در آنها بوجود نیامده توجیه و تبیین نمود .

## ۸- چهار مورد از ویژگی های فرهنگ انسانی را ذکر نمایید.

- فرهنگ عامل توحید بخش ارزشهای اجتماعی است .
- فرهنگ نظم بخش رفتار انسانها و کنترل کننده غرایز است .
- فرهنگ متمایز کننده جوامع از یکدیگر است .
- فرهنگ آموختنی است . انتقال فرهنگ در مرحله اول بوسیله خانواده و شبکه خویشاوندی و سپس بواسطه منابع دیگر مثل سازمانها و محافل بیرون از خانواده , موسسات آموزشی , وسایل ارتباط جمعی و گروههای اجتماعی , از جامعه به فرد صورت می گیرد .
- فرهنگ حاصل تجربیات و بشری است که طی قرون و اعصار و طی نسلهای متمادی , فراهم آمده و پیچیده تر گردیده است .
- ابعاد مادی و معنوی فرهنگ پیوسته در حال تغییرات تدریجی است که در مجموع و در طی قرون و اعصار بصورت تحولاتی که دورههای مختلف تاریخی بشری را از هم متمایز متجلی می گردد .



۹- فرهنگ مادی و معنوی ( غیر مادی) و روند پیشرفت آنها را در مقایسه با یکدیگر توضیح دهید.

## فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی

اگر فرهنگ را به معنی کوشش‌های انسان برای ارضاء نیازهای خود و غلبه بر طبیعت بدانیم آنگاه می‌توانیم آن را به دو قسمت فرهنگ مادی و فرهنگ غیر مادی یا معنوی تقسیم کنیم. فرهنگ مادی، شامل اشیاء قابل لمس است مثل مسکن، وسایل زندگی، وسایل و ابزار و دوات هواپیما، اتومبیل، ماشین آلات، در عناصر فرهنگ آنچه را که مادی نیست فرهنگ معنوی گویند هنر، زبان، ادبیات، فلسفه، سیاست، افکار و عقاید، نحوه فکر و استدلال قوانین و علوم در این زمینه جای می‌گیرند.

فرهنگ مادی و غیر مادی به یک نسبت و آهنگ پیشرفت نمی‌کنند بلکه معمولاً فرهنگ مادی سریعتر دگرگون می‌گردد از این رو شکافی بین این دو پدیده می‌آید که آن را پس افتادگی یا تاخر فرهنگی می‌نامند. به بیان دقیقتر تاخر فرهنگی، پس افتادن یک عنصر فرهنگی از سایر عناصر است. فرهنگ معنوی بدنه اصلی یک فرهنگ ملی است. همین بدنه است که قدرت روحی و نیروی حیاتی یک ملت را مشخص می‌کند، همین بدنه است که باید به دل و جان در نگهداشت آن کوشید، زیرا فرهنگ معنوی نقطه تعالی و فرازگاه حیات ملی است.

فرهنگ مادی هر جامعه همچنانکه گفته شد شامل مجموعه دست آوردهای مادی یا تکنولوژی آن جامعه است. یکی از جامعه شناسان بنام لوئیس منفرد در بحث از تکنولوژی و فرهنگ می‌نویسد:

تکنولوژی در خارج از فرهنگ قرار نمی‌گیرد و بر عکس جزئی از آنست.

۱۰- جامعه‌شناسان زبان را کلید درک مفاهیم ذهنی می‌دانند. این موضوع را توضیح

دهید.

از آنجا که مفاهیم از طریق زبان بعنوان یک واسطه در رابطه‌ای مستقیم با تفکرات و تجسمات انسانها از حقایق موجود است بدین جهت بسیاری از جامعه‌شناسان زبان را کلید درک مفاهیم ذهنی می‌دانند و به بیان دیگر افکار هر مردمی در قالب سمبل‌های صوتی و بعضی اوقات اشارات، تصویر، حرکات بدنی و امثال آن خلاصه می‌شود، این سمبل‌هاست که زبان هر قومی را تشکیل می‌دهد، بنابراین لغات صرفاً اصولی نبوده بلکه در آن افکار و تجربیات انباشته می‌باشند.

۱۱- فرهنگ پذیری به چه معناست؟

فرهنگ پذیری

تطابق با هم‌نوائی عمیق فرد با هنجارها و موازین فرهنگی یک جامعه را فرهنگ پذیری گویند. فرهنگ پذیری یا جریانی را که طی آن فرد فرهنگی می‌شود می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. فرهنگ پذیری یک سویه و فرهنگ پذیری دو سویه.

## ۱۲- فرهنگ پذیری یک سویه و دوسویه را به اختصار توضیح دهید.

فرهنگ پذیری یک سویه مربوط به کودکان می‌شود و به این دلیل یک سویه نام گرفته است که کودک در مقابل پذیرا شدن ارزش‌های جدید منفعل است یعنی آنکه جریان تاثیر ارزش‌ها یک طرفه و تنها از جانب جامعه بسوی کودک است و او مقاومتی در برابر این ارزش‌ها از خود بروز نداده و نمی‌تواند بر جامعه تاثیری متقابل داشته باشد. کودک بتدریج و ابتداء از طریق خانواده بعنوان میانجی با ارزشها و نهادها و واقعیت‌های اجتماعی آشنا می‌گردد .

فرهنگی شدن طفل از طریق خانواده به دو طریق صورت می‌گیرد : ناآگاهانه و آگاهانه انتقال ناآگاهانه هنجارها به طفل از طریق سر مشق قرار دادن و اقتباس رفتار و کردار و گفتار والدین می‌گیرد و بدین ترتیب بدون آنکه والدین خود متوجه باشند کودک بتدریج با الگوهای رفتار و کرداری آشنایی می‌یابد که وی از سوی اطرافیان مشاهده می‌کند. این مرحله مرحله‌ای است حساس که شخصیت طفل بوسیله این الگوهای رفتار و کردار و گفتار بتدریج شکل گرفته و پایه ریزی می‌شود .

از طرف دیگر انتقال هنجارها به کودک از طریق آگاهانه بدین معنی است که والدین با آموزش مستقیم و امر و نهی و تشویق و یا ممانعت وی را عمداً با هنجارها و موازین زندگی اجتماعی آشنا ساخته و بگونه‌ای که خود ترجیح می‌دهند و با توجه به برداشتی که از هنجارهای اجتماعی دارند سعی در اجتماعی شدن و فرهنگی نمودن وی می‌نمایند .

آشنایی و سپس هم‌نوایی عمیق کودک با هنجارهای اجتماعی در دو وضعیت آگاهانه، ناآگاهانه از آن جهت اهمیت فراوان دارد که این جریان، جریانی است یک سویه و بنابراین ذهن کودک مساعد و آماده است، از برای هر آنچه که می‌بیند، می‌شنود و حس می‌کند، در حالیکه جریان فرهنگی شدن

در بزرگسالان جریانی دو سویه بدین معنا که در مورد افرادی مصداق دارد که شخصیت آنان تکوین یافته و دارای فرهنگ پیش بینی باشند. در چنین حالتی فرهنگ پذیری تبدیل به جریانی پیچیده می شود و فرهنگ جدید به سهولت فرد را تحت سلطه و تاثیر خود قرار نخواهد داد .

۱۳- کدامیک از موارد زیر شامل روش های فرهنگ پذیری دو سویه نمی گردد؟ ( تستی و چهار گزینه ای)

( توضیح : موارد زیر شامل می گردند)

فرهنگ پذیری دو سویه می تواند از چند روش به وجود آید :

- مهاجرت های بین المللی
- برخوردهای تاریخی اقوام
- سلطه استعمارگران بر مستعمرات